

درس نود و سوم – نگاهی به فعل vorstellen در زبان آلمانی

در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل پرکاربرد vorstellen که از آن دسته از افعال است که در موقعیت های مختلف معانی متفاوتی را نیز به همراه دارد . سعی میکنم در این درس به تمامی موقعیت های که می توان این فعل را استفاده کرد ، اشاره کنم

vorstellen

یک فعل جدا شدنی می باشد که می تواند انعکاسی هم باشد

هرگاه به صورت یک فعل غیر انعکاسی باشد معانی زیر را میدهد :

جلو قرار دادن ، معرفی کردن ، آشنا کردن ، آشنا شدن ، واضح نمودن ، به عنوان کسی که جویای کار است با کارفرما مصاحبه کردن

هرگاه به صورت یک فعل انعکاسی باشد معانی زیر را میدهد :

تجسم بخشیدن ، تجسم کردن ، در ذهن خود پروراندن ، خود را به قصد معاینه تحت اختیار پزشک گذاشتن

گذشته ساده : stellten vor

گذشته کامل : haben vorgestellt

موقعیت یک : هرگاه معنی جلو قرار دادن چیزی را بدهد

Den Sessel vorstellen

آن صندلی را جلو تر قرار دادن

Ein Stück weiter den Sessel stellen

یک مقدار جلوتر آن صندلی را قرار دادن

نکته : توجه داشته باشید که در اینجا فعل vorstellen اسم را به حالت Akkusativ میبرد.

Der Sessel -> Akku -> den Sessel

Der Sessel

صندلی ، مبل ، کجاوه ، تخت روان

Das rechte Bein vorstellen
پای راست را کمی جلوتر بردن یا قرار دادن

Das Bein -> Akku -> Das Bein

موقعیت دو : هرگاه معنی در جلوی چیزی قرار دادن را بدهد

Eine spanische Wand vorstellen

یک دیواره حصیری (اسپانیایی) را در جلوی چیزی قرار دادن

?? Eine spanische Wand



موقعیت سوم : ساعت را به جلو کشیدن

Die Uhr eine Stunde vorstellen

ساعت را یک ساعت به جلو کشیدن

موقعیت چهارم : کسی یا چیزی را به دیگران که آنها او را نمی شناسند ، معرفی کردن

Darf ich Ihnen Herrn Müller, meine Schwester vorstellen?

آقای مولر اجازه دارم به شما خواهرم را معرفی کنم؟

نکته : توجه داشته باشید ، همانطور که در تفکر فارسی ما کسی را به شخص دیگر معرفی میکنیم (به حرف اضافه داتیو ساز) در تفکر آلمانی نیز به همین صورت است.

Darf ich Ihnen meinen Vater vorstellen

اجازه دارم به شما پدرم را معرفی کنم.

Dativ < - شما به Ihnen

همانطور که می بینید ، درست همانند تفکر فارسی ، پدرم را به حالت Akkusativ رفت.

Mein Vater -> Akku -> meinen Vater

در نتیجه همانطور ما می توانیم به کسی چیزی را معرفی کنیم.

Jemandem etwas vorstellen

به کسی چیزی را معرفی کردن

Auf dem Empfang stellte sie ihn als ihren Verlobten vor

هنگام پیشواز او (مونث) او (مذکر) را به عنوان نامزدش معرفی کرده بود.
در خیر مقدم و خوش آمد گویی او (مونث) او (مذکر) را به عنوان نامزدش معرفی کرده بود.

Ich muss meinen Freund meinem Vater vorstellen

من باید دوستم را به پدرم معرفی کنم

موقعیت پنجم : در حالت انعکاسی و زمانی که بخواهیم خودمان را به دیگران معرفی کنیم ، طوری که شغل یا جایگاهمان را نیز گفته باشیم

Sich mit vollem Namen vorstellen

خود را با نام کامل معرفی کردن

Er stellte sich als Vertreter des Verlages vor

او خودش را به عنوان نماینده ناشر معرفی میکند.

توجه داشته باشید : als معانی دیگری نیز دارد ، اما در جملات اینگونه ، معنی : به عنوان را میدهد.

موقعیت ششم : هرگاه بخواهیم خودمان را نزد پزشک برای معاینه قرار بدهیم. یا اجازه بدهیم پزشک ما را معاینه کند.

Er musste sich noch einmal dem Arzt, in der Klinik vorstellen

او می بایستی یکبار دیگر خودش را به آن پزشک در اون درمانگاه نشان بدهد (برای معاینه)

موقعیت هفتم : وقتی چیزی را در ذهن خود تصور میکنیم یا خیال میکنیم ، تجسم بخشیدن چیزی در ذهن

Ich stelle mir vor, dass das gar nicht so einfach ist

من تصور میکنم ، که آن اصلا آسان نیست

Stell dir vor, wir würden gewinnen

فکر کن ، ما بتونیم پیروز شویم

Stell dir vor

تصور کن ، خیال کن ، فکر کن ، رویا پردازی کن

معمولا در فارسی میگویند ، فکر کن یک درصد ؟

مثلا می توان جمله زیر را اینگونه نیز ترجمه کرد

Stell dir vor, wir würden gewinnen

فکر کن یک درصد ما بتونیم ببریم

Kannst du dir meine Überraschung vorstellen?

می تونی سوپرایز منرا تجسم کنی ؟

Wie stellst du dir das vor?

چه تصور و برداشتی از آن داری ؟

موقعیت هشتم : چیزی را به دیگران نشان دادن ، در معرض دید دیگران قرار دادن و آنرا اعلام کردن

Der junge Autor stellt sein neues Buch vor

نویسنده جوان کتاب جدیدش را معرفی می کند

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس مثال ، سوال یا پیشنهادی دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de